



یادگیری پنهان در بستر داستان

گپ و گفتی با دکتر رضوان حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

خانم دکتر رضوان حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، با شور و شوق خاصی از اجرای طرح «عید و داستان» سخن می‌گوید. وی در گفت‌وگو با «رشد جوانه» تأکید دارد که دورهٔ پیک‌ها به پایان رسیده و حالا باید جای خود را به یک رشته تکالیف هدفمند، متنوع و اختیاری بدهند که به تعمیق و تثبیت یادگیری دانش‌آموزان بینجامد. دکتر حکیمزاده، توجه به آموزش مهارت‌های مغفول در بچه‌ها، حتی در طول سال تحصیلی را از اهداف بزرگ طرح جایگزین می‌داند و بر پرورش قدرت خلاقیت، مهارت بیان، ابراز وجود و رشد قوهٔ تخیل بچه‌ها تأکید دارد. با دیدگاه‌ها، نظرات و تحلیل این متولی اجرای طرح جایگزین پیک‌های نوروزی، یعنی برنامهٔ «عید و داستان»، در گفت‌وگوی صمیمانه‌ای که با ایشان انجام شده است، آشنا می‌شویم.

آن‌ها هم موظف بودند در ایام عید آن را تکمیل کنند و بعد از عید تحویل معلم خود بدهند. اما اینکه دلیل این جایگزینی چه بوده است، می‌توانم به دلایل متعددی اشاره کنم. اصولاً تکالیفی که برای دانش‌آموزان مقرر می‌شود باید با هدف تعمیق و تثبیت یادگیری باشد یا ایجاد یک رشته مهارت‌هایی که امکان تحقق آن در ساعات مدرسه کمتر فراهم می‌شود. بررسی‌های ما نشان می‌داد که پیک‌های نوروزی در رسیدن به این هدف موفق نبودند و براساس سیرری که پیک‌ها طی کردند، شاهد تولید متمرکز پیک‌ها در همه استان‌ها بودیم؛ بنابراین ما به دستورالعمل سال ۱۳۹۲ رسیدیم.

خانم دکتر حکیمزاده! انگیزه و هدف شما از جایگزین کردن طرح «عید و داستان» با پیک‌های نوروزی، که هر سال برای تعطیلات عید تهیه و توزیع می‌شد؛ چه بود؟ نخست از فرصتی که برای من فراهم شده است تا از طریق مجله ارزشمند «رشد جوانه» با مخاطبان گرامی شما سخن بگویم، بسیار تشکر می‌کنم. طرح «عید و داستان» همان‌طور که می‌دانید شامل سه فعالیت داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی برای دورهٔ ابتدایی است که ما تصمیم گرفتیم آن را به‌عنوان یک تکالیف هدفمند جایگزین پیک‌های نوروزی کنیم که طی سال‌های گذشته به دانش‌آموزان داده می‌شد و

تکلیف دقیقه نودی!

آیا سبیری که دربارهٔ پیک‌ها مطرح می‌کنید، شامل قبل از انقلاب هم می‌شود؟

نه؛ تأکید و توجه ما به بعد از انقلاب اسلامی مربوط می‌شود. زمانی که مدرسه می‌رفتیم، به ما «رونویسی» می‌دادند و چیزی به‌عنوان پیک نوروزی وجود نداشت. پیک‌های نوروزی بعد از انقلاب وارد برنامه‌ها شد تا اینکه در سال ۱۳۹۲ مقرر شد معلمان برای دانش‌آموزان به‌جای پیک نوروزی تکالیفی را معین کنند تا در عید انجام دهند؛ اما جاهایی که معلمان ما کلاس‌های پرجمعیت و چند پایه داشتند واقعاً با چالش‌های جدی روبه‌رو بودند. یک معلم نمی‌توانست تکالیف را کاملاً بررسی کند، لذا رونویسی‌ها و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شد تأثیری نداشت. علاوه بر آن، تجربهٔ بسیاری از دانش‌آموزان آن زمان که حالا فارغ‌التحصیل شده‌اند و بسیاری از آنان هم‌اکنون اولیای دانش‌آموزان ما هستند، و یا کسانی که در سنین بالاتر هستند، نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان خودشان پیک‌ها را انجام نمی‌دادند بلکه خانواده‌ها در تکمیل آن‌ها مشارکت داشتند، آن هم اغلب در آخرین روز تعطیلات و ساعات پایانی و با اجبار. خلاصه پیک‌ها به یک جریان فرسایشی تنش‌زا در خانواده‌ها تبدیل شده بودند که نه به یادگیری و تسهیل و تعمیق آن کمک می‌کردند و نه به بچه‌ها فرصت می‌دادند از تعطیلات عید خود لذت ببرند و نه هدف خاصی را دنبال می‌کردند. به این خاطر، سال گذشته تصمیم گرفتیم طرح «عید و داستان» را اجرا کنیم. در این طرح از این فرصتی که دانش‌آموزان در تعطیلات دارند به نفع خودشان استفاده کردیم تا بعضی از مهارت‌ها را که به نحوی در طول سال تحصیلی از طریق برنامه درسی ما قابل یادگیری نیست، یاد بگیرند. از جملهٔ این مهارت‌ها مهارت خواندن و درک مطلب بود. همچنین نوشتن، خلاصه کردن، مستندسازی، مهارت بیان کردن، ابراز وجود، پرورش قدرت خلاقیت، پرورش تخیل و مانند این‌ها.

قالبی که ما روی آن کار کردیم بسیار منعطف بود. مثلاً اینکه بچه‌ها پای قصهٔ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بنشینند تا از این طریق آن ارتباط بین نسلی تقویت شود.

جدایی کودکان از قصه

نظر شما در مورد اینکه با وجود دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بی‌شمار، کتاب تقریباً از زندگی همه بیرون رفته است، چیست؟

بله، کتاب از زندگی همه بیرون رفته است و به‌خصوص از زندگی کودکان، و کودکان دیگر مثل گذشته با قصه سر و کار ندارند. مهم‌تر آنکه کودکان ما وقتی تلویزیون نگاه می‌کنند دریافت‌کنندهٔ یک‌طرفه هستند. این‌ها با توجه به اینکه آسیب‌های جدی ایجاد می‌کند، ما را بر آن داشت که سراغ این طرح برویم. بحث بیگانه شدن بچه‌ها با کتاب یک آسیب جدی است و ما با این طرح دنبال آن بودیم که بچه‌ها با کتاب آشتی کنند، با آن درگیر

شوند و قصه بخوانند.

برای اجرای طرح «عید و داستان» در مدارس، چه تمهیدات و مقدماتی را فراهم ساختید؟

براساس بررسی‌هایی که در سال‌های گذشته انجام شده بود - از جمله در سال ۹۲ دستورالعملی صادر شده بود که دیگر تولید پیک‌ها متمرکز نباشد ولی متأسفانه رعایت نشد - و با توجه به تفاوتی که مدارس داشتند، طوری که گاهی وقت‌ها بعضی از مدارس فعالیت‌هایی را برای دانش‌آموزان در نظر می‌گرفتند که خیلی بیشتر از پیک‌ها وقت بچه‌ها را می‌گرفت و فایده چندانی هم نداشت، جلسات متعددی را برگزار و داده‌هایی را از همکاران جمع‌آوری کردیم. تجربه‌های دانش‌آموزان، خانواده‌ها، و همکاران را گردآوری کردیم و بعد از بررسی مزایا و معایب شیوه‌هایی که در گذشته انجام شده بود، به این نتیجه رسیدیم که ما باید تکالیف

هدفمندی برای بچه‌ها داشته باشیم، در غیر این صورت بهتر است اصلاً تکلیفی نباشد! لذا اعلام کردیم که طرح «عید و داستان» برنامهٔ جایگزین ما خواهد بود. دستورالعمل اجرایی آن را هم تهیه کرده و همراه با بخشنامه‌ای با امضای وزیر محترم آموزش و پرورش، به استان‌ها ابلاغ کردیم و نامه‌ای هم زدیم که امسال دیگر پیک نوروزی داده نمی‌شود. پس از آن، من بلافاصله، طی جلسه‌ای، ویدئو کنفرانسی با معاونین آموزش ابتدایی استان‌های سراسر کشور داشتم و اهداف طرح را مجدداً برای آنان شرح دادم و گفتم که این طرح، شامل همهٔ مدارس دولتی و غیردولتی می‌شود و همهٔ ۷/۵ میلیون دانش‌آموز دورهٔ ابتدایی و

نواموزان دورهٔ پیش‌دبستانی مشمول این طرح خواهند شد.

خوشبختانه با اقبال عمومی که نسبت به اجرای طرح از جامعهٔ فرهنگی، جامعهٔ ادبی و دوستداران کودک و نوجوان دریافت کردیم، خیلی دلگرم شدیم. صدا و سیما هم در این زمینه خیلی خوب پیگیری کرد و برنامه‌هایی زنده در اوقات پربیننده به ما اختصاص داد تا توضیح بدهیم که این کار انجام شد.

همکاری خوب رسانه‌ها

آیا همکاری و همراهی رسانه‌ها با طرح هم خوب و قابل توجه بود؟

بله، همکاری رسانه‌ها با اجرای طرح «عید و داستان» خوب بود. در این زمینه، با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جلساتی داشتیم و آن‌ها از ما کاملاً حمایت کردند. کانون کتابخانه‌های بسیاری دارد که تعدادی از آن‌ها را در مراکز استان‌ها در ایام عید باز گذاشتند تا بچه‌ها بتوانند کتاب بگیرند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز اعلام آمادگی کرد و مقداری کتاب در اختیار ما قرار داد. همچنین حمایت‌هایی را از ناشران کودک و نوجوان شاهد بودیم. خوشبختانه کسانی که به این طرح ورود پیدا

پیک‌های نوروزی به یک جریان فرسایشی و تنش‌زا در خانواده‌ها تبدیل شده بود که نه به یادگیری و تسهیل و تعمیق آن کمک می‌کردند و نه به بچه‌ها فرصت می‌دادند از تعطیلات عید خود لذت ببرند



کردند، به صورت صد در صد رایگان طرح را مورد حمایت خود قرار دادند. ما واقعاً هیچ مشکلی در زمینه تأمین کتاب نداشتیم، چون راه را باز گذاشته بودیم. بچه‌ها می‌توانستند از دوستان خود کتاب قرض بگیرند؛ از کتاب‌های منزل خود استفاده کنند؛ از کتابخانه شهرشان کتاب بگیرند و در این رابطه اطلاع‌رسانی شد. قبل از عید هم، همکاران ما با استان‌های مختلف در ارتباط بودند و نقطه نظرات آنان را می‌گرفتند. با مرکز نیروی انسانی جلسات خوبی داشتیم، تا بتوانیم از اجرای طرح گزارش‌گیری کنیم. ما همچنین سایت سامانه همگام را راه‌اندازی کردیم تا معلمان ابتدایی بتوانند گزارش کار کلاس خود را ثبت کنند. گزارش کار کلاس هم ساده بود. هر معلم تعداد و اسامی دانش‌آموزان کلاس خود را در فرمی وارد و نوع فعالیت آنان را مشخص می‌کرد. در حال حاضر، یک گزارش از دفتر ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات داریم. یک سامانه هم مشخص کرده بودیم که اگر تخلفاتی بود به ما گزارش کنند. در این مدت خبرنگاران هم بسیار پیگیر بودند. گزارش دفتر ارزیابی عملکرد نیز بازخورد خوبی بود که برای آسیب‌شناسی طرح مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اجرای طرح را از نظر کمی و کیفی و سطح پوشش و فراگیری چگونه دیدید و در مجموع، چقدر رضایت دارید؟

البته، چون پنجم اردیبهشت آخرین مهلتی بود که همکاران باید گزارش خود را از کم و کیف اجرای طرح در سامانه وارد می‌کردند یا به‌صورت دستی به مناطق می‌دادند. ما هنوز جمع‌بندی کاملی نداریم که بتوانیم با آمار و ارقام ارائه کنیم، اما مرکز ارزیابی و عملکرد ما که به‌صورت مستقل در همه استان‌های کشور پیگیری کرده بود و

اطلاعات خود را جمع‌آوری و به ما ارائه کرد. در گزارش مرکز، ۸۶ درصد دستورالعمل ما رعایت و اجرا شده بود و در ۱۴ درصد بقیه، مواردی بود که یک مقدار با اهداف دستورالعمل ما فاصله داشت که برخی از آن‌ها مربوط به شکل اجراست. به‌عنوان مثال، ما اعلام کرده بودیم که دانش‌آموز حق دارد خودش یک فعالیت را انتخاب کند، در حالی که برخی از معلمان ما بچه‌ها را تقسیم‌بندی کرده بودند که مثلاً این دانش‌آموزان داستان بخوانند و آن تعداد داستان بنویسند. در هر حالی که ما گفته بودیم اگر ۳۰ دانش‌آموز یک کلاس هم همگی دوست داشتند یک فعالیت را انتخاب کنند، به آن‌ها اجازه بدهید این انتخاب را داشته باشند. بیشتر مشکل به این شکل بوده است. یا اینکه مثلاً گفته بودند که همه دانش‌آموزان یک نوع فعالیت را انجام دهند، در حالی که ما به هیچ‌وجه یک چنین اجباری را نداشتیم. خوشبختانه، استقبال خوبی از طرح شده است. به‌عنوان نمونه، بعد از هفته اولی که اعلام کرده بودیم بچه‌ها امسال در ایام

در این طرح، پرورش قدرت خلاقیت، مهارت بیان و ابراز وجود و رشد قوه تخیل دانش‌آموزان مورد توجه بود

بیگانه شدن بچه‌ها با کتاب یک آسیب جدی است

عید، پیک‌های نوروزی نخواهند داشت و به جای آن می‌توانند فعالیت‌های داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی داشته باشند، سفری به جزیره ابوموسی داشتیم و در آنجا، یک دختر دانش‌آموز در گفت‌وگو با من، از حذف پیک‌ها تشکر کرد. او با خوشحالی از طرح جدید استقبال می‌کرد. برای من جالب بود که می‌دیدم چطور دانش‌آموزان در دورترین نقاط کشور، از حذف پیک‌های نوروزی و جایگزینی آن حمایت می‌کنند.

به نظر شما، آیا این استقبال و خوشحالی دانش‌آموزان به‌خاطر رفع مسئولیت از آن‌ها و فرار از انجام تکلیف و راحتی و آزادی بیشتر نبوده است؟

ببینید این، نشان می‌دهد که پیک‌ها به هر صورت، برای بچه‌ها یک تکلیف خوشایند نبوده است، وقتی من از بچه‌ها می‌پرسیدم که حالا چه تصمیمی برای تعطیلات نوروز گرفته‌اند، می‌گفتند که، مثلاً، من تصمیم گرفته‌ام قصه‌ای درباره‌ی خاطراتم از شهرم بنویسم. من واقعاً کارهای دانش‌آموزان را دیدم که چقدر متنوع بود. مثلاً یک دانش‌آموز از هر روز تعطیلات عید خود عکس گرفته بود و درباره‌ی آن توضیحی داده بود؛ که این حتی برای آینده‌اش هم می‌تواند یک مستند خیلی خوبی باشد و نشان دهد که این دانش‌آموز، در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۷، در این سن، در کلاس پنجم دبستان، کجاها رفته و با چه کسانی بوده است. این کار شکل هنری و خلاقانه دارد. تقویت مهارت‌های نوشتن برای ما در این طرح بسیار مهم بود. ما دوست داشتیم که بچه‌ها با خط خودشان بنویسند و به‌نظر می‌رسد که حتی در زمینه پرورش خلاقیت بچه‌ها، طرح ما بیشتر از آنچه که فکر می‌کردیم موفق بوده است. جالب است که بسیاری از صاحب‌نظران ادبی و هنری نیز از طرح ما حمایت کردند و پیشنهادهای ارائه دادند.

استفاده از غیر داستان

چرا برای اجرای طرح «عید و داستان» روی کتاب‌های علمی، تاریخی و آموزشی تمرکز نشد و فقط داستان مورد تأکید قرار گرفت؟

اینکه ما فقط داستان را مطرح کردیم، به خاطر این بود که داستان یکی از بهترین قالب‌هایی است که با دوران کودکی همخوانی دارد و بیشتر مورد علاقه بچه‌هاست و جذاب‌تر است. ما اگر بخواهیم بچه‌ها با رغبت کاری را انجام دهند حتماً باید به علائق و نیازهای آنان توجه کنیم.

البته ما مشکلی نداشتیم که دانش‌آموز مثلاً یک گزارش بنویسد. فقط یک قالب خاص مطرح نبود؛ طرح منعطف بود. بچه‌ها می‌توانستند گزارش روز طبیعت را بنویسند و یا گزارش اماکن تاریخی را که بازدید می‌کنند، بنویسند.

منظور من عنوان فعالیت نبود، بلکه در مورد کتاب

بود و اینکه چرا فقط موضوع داستان در طرح مطرح است؟

در فعالیت، فقط داستان خواندن نبود، یعنی می‌توانست نوشتن هم باشد، احساسات خودشان را بنویسند و اینکه می‌پرسید چرا کتاب علمی نگذاشتید، به نظر می‌رسد در این زمینه هم آزاد بودند، چون می‌توانستند یک داستان بخوانند که علمی باشد، تاریخی باشد، سرگذشت انبیا باشد و ...

آیا امکان دارد که برای سال آینده، در اجرای طرح، تأکید شود که بچه‌ها می‌توانند سوژه‌ها و عناوین دیگری هم انتخاب و کار کنند؟

به هر حال، ما بازخوردهای نهایی را که گرفتیم و تحلیل کردیم، حتماً برای اینکه در سال آینده، به چه شکل این چالش‌ها را برطرف کنیم و این کار را ادامه بدهیم، از آن بازخوردها استفاده خواهیم کرد. این بازخوردها را هم جامعه ادبی و فرهنگی و هنری می‌توانند به ما بدهند و هم معلمان و جامعه فرهنگی و خانواده‌ها و دانش‌آموزان که ما نیز حتماً استقبال خواهیم کرد. در عین حال، نتایج تحلیل طرح که بچه‌ها کدام را بیشتر دوست داشته‌اند و در کدام بخش بیشتر کار تولید کرده‌اند، این‌ها همه مدنظر ما خواهد بود و برای سال آینده حتماً از همه این بازخوردها استفاده خواهیم کرد.

استقبال فراتر از تصور

در مجموع، آیا امسال از اجرای طرح راضی هستید؟ طرح «عید و داستان» چند درصد موفق بوده و آمارها و ارقام در حد تصور و برآورد شما بوده است؟

قطعاً! با توجه به اینکه امسال هم، سال اول اجرای طرح بود و هم ما مدت زمان کمی در اختیار داشتیم، از نتایج طرح خیلی راضی هستیم. استقبالی که صاحبان خرد و اندیشه در زمینه هنر، ادبیات و تربیت کودک از این طرح داشتند، فراتر از تصور ما بود و بسیار دلگرم شدیم. این شاید یکی از آن اقداماتی بود که کمتر کسی را منتقد آن می‌دیدید.

اگر انتقادی هم وجود داشت، بیشتر درباره‌ی این بود که در شکل اجرا چه باید کرد و کسی منکر این نمی‌شد که تکالیف پیک‌های نوروزی ناکارآمد بودند؛ کسی نگفت «عید و داستان» و داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی مناسب شرایط دانش‌آموزان ما نیست و طرح مناسبی نیست. در عین حال، مثل هر طرح دیگر در سال اول، قطعاً چالش‌ها، کمبودها و کاستی‌هایی را همراه خود دارد، نتایج را که ان‌شاءالله نهایی کنیم حتماً به آن‌ها توجه خواهیم داشت، ولی اگر بخواهیم به‌صورت کلی نگاه کنیم، به نظر می‌رسد یکی از آن نقاط بسیار روشن و امیدبخشی است که به ما نوید می‌دهد از طریق یک رشته فعالیت‌هایی که مدنظر است، دنیای مدرسه را به سمتی ببریم که از قالب‌های مناسب دوران کودکی مثل بازی، داستان، هنر و ادبیات، حتی برای آموزش مفاهیم علمی

استفاده کنیم و قطعاً هدف ما این نیست که این کار محدود به ایام نوروز باشد. ما می‌خواهیم با نتایجی که از این طرح می‌گیریم به این سمت برویم که اوقاتی که بچه‌های ما برای تکالیف صرف می‌کنند، اوقاتی باشد که مهارت‌های مغفول آنان را حتی در طول سال تحصیلی تقویت کنیم، در عین اینکه هدفمند باشد و باعث تعمیق و تثبیت یادگیری شود. با توجه به پژوهش‌هایی که انجام شده است هر چه قدر سن کودکان کمتر باشد، انجام تکالیف «روزمره، تکراری» یا مشق شب، تأثیر کمتری در یادگیری دارد و این، ارتباط معکوس با سن دارد.

به نظر می‌رسد با اجرای طرح جایگزین «عید و داستان» و حذف پیک‌های نوروزی، صرفه‌جویی بسیار خوبی هم در هزینه‌ها صورت گرفته است. چون تهیه، تولید و توزیع پیک‌ها چرخه مالی گسترده‌ای را دربر می‌گرفت. در این ارتباط، آیا کمکی هم به آموزش و پرورش شده است؟

بله، درست است. امیدواریم ان‌شاءالله این امر تحقق یافته باشد. یکی از چالش‌های جدی که ما داشتیم، نامشخص بودن و شفاف نبودن گردش مالی پیک‌ها، به‌عنوان امری نگران‌کننده، بود. اگر بخواهیم از این زاویه به مسئله نگاه کنیم، باز به نفع همه بوده است. به هر صورت، ما این تصمیم را گرفتیم که واقعاً به کودکانمان فرصت بدهیم به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی برای اولین بار خودشان انتخاب کنند و انتخابگر باشند.

به نظر تان تمهیدات و مقدماتی که برای اجرای طرح جدید و ابتکاری «عید و داستان» فراهم شد، کافی بوده است؟

شاید اگر ما زمان بیشتری داشتیم بهتر بود، ولی تجربه مفیدی که شخصاً در این طرح به‌دست آوردم، این بود که هر چقدر دستورالعمل‌هایی که می‌نویسیم، ساده‌تر و کوتاه‌تر باشد، ابهام کمتری ایجاد می‌کند. زیرا یکی از دلایلی که برخی از معلمان و مدیران عزیز ما، در اجرای طرح، بعضی از نکات را رعایت نکرده بودند، این بود که ما زیاد توضیح داده بودیم. بنابراین به این نتیجه رسیدم که اگر همه دستورالعمل یک صفحه بود یا در یک نیم‌صفحه، راحت می‌گفتیم که دانش‌آموزان حق انتخاب از بین سه فعالیت را دارند، هیچ قالب خاصی را هم نمی‌خواهیم در نظر بگیریم و هیچ پولی نباید رد و بدل شود. این آزادی عمل را می‌دادیم و همین کفایت می‌کرد.

ما در پی آن بودیم تا بچه‌ها با کتاب آشتی کنند، با آن درگیر شوند و قصه بخوانند

قالب داستان، قوی‌ترین و بهترین قالبی است که به کودکان نزدیک است

در طرح «عید و داستان» ما توجه ویژه‌ای به پوشش مهارت‌های مغفول بچه‌ها داشتیم